

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

جیلانی لیبیب

برلین - اول اکتوبر ۲۰۱۰

ترانه هائی از دیار هرات

(بخش چارم)

چه خوش باشه بهار سبز و شاداب
ببینم سوی تو، تو سوی مهتاب
تو خوش گردی ز نور نیم رنگش
دلم از آتش روی تو بیتاب

رفیق جان اینقدر قهر و غضب چیست
دلت بر من نمی سوزه، سبب چیست
شمال از جـــــانـب بغداد خیزد
گناه مردم شهر عـــــرب چیست

بیا لیلی که مجنون در برم نیست
جدائی کرده ای هوش در سرم نیست
جـــــدائی کرده ای از یار جانی
چو مرغان قفس بال و پر نیست

مسلمانا که کابل جـای ما نیست
مقام و منزل بابـی ما نیست
اگر از خـاطر یارجان نباشه
دگر زنجیر کس بر پای ما نیست

نگـارا تیغ ابرویت مرا کشت
طناب هر دو گیسویت مرا کشت
چـو بلبل ناله دارم از فراق
عـزیز من گل رویت مرا کشت

دو تا دختر درین کوچه خیاط است
یکی قند و دگر شاخ نبات است
مه قـربان لب سبزینه دختر
همو شاخ نباتی کـه نامزات است

ستاره در هوا شد يك صد و بیست
جدال تو و من جانم سر چیست؟
نشینیم رو به رو، زانو به زانو
بسنجیم کـان گناه از جانب کیست

اگر دانی که فردا محشری نیست
سؤال و پرسش و پیغمبری نیست
بکن جـور و جفا تا میتوانی
که عاشق را سپاه و لشکری نیست

عزیزان گل به فرق خار حیف است
به نادان صحبت هشیار حیف است
سمند سر بلـند زینش مرصع
به زیر ران هر عطار حیف است

گــــل من میزدی لاف محبت
گذاشتی داغ بــــر دل تا قیامت
چه خوب شد بیوفائی از تو سر زد
نیم شکر خــــدا پیشت ملامت

کجا خوابی که من بیدارم ای دوست
نشسته با دل خــــونبارم ای دوست
اگــــر در مسجد و در خانه باشم
بیاد روی تــــو دلدارم ای دوست

لباس ساربــــانی دارم ای دوست
از آن زلفا نشانی دارم ای دوست
نفس آمد به کــــورق سینه من
امید زندگــــانی دارم ای دوست

به قــــربان کجک های ز غالت
اگــــر کشته شوم خونم حلال
اگــــر کشته شوم با خنجر تیز
به روی سینه های پُر خط و خالت

سر کــــوچه رسیدم کوله بر پشت
بدیدم دلبر من جــــامه می شُشت
گهی می شُشت، گهی مشتمال میکرد
همان خال بر رویش مرا کشت

سر کوچــــه رسیدم کفترم رفت
که غــــرش جوانی از سرم رفت
که غرش جــــوانی، مال و دنیا
جــــهنم مال و دنیا، دلبرم رفت

درخت تـــــــوت مابین سرایت
ز نـــــــم مَلاق بیایم روی جایت
اگـــــــر همسایه ها بیدار گردند
مرا پنهان کـــــــنی جانم فدایت
